

فصلنامه تاریخ اسلام
سال نهم، بهار و تابستان ۱۳۸۷، شماره مسلسل ۳۳-۳۴

شهرستانی و ملل و نحل

دکتر محمود خواجه‌میرزا*

ابوالفتح محمد بن ابوالقاسم عبد‌الکریم بن ابوبکر احمد شهرستانی (۴۷۹ - ۵۴۸ ق)، مُتکلم شافعی اشعری، فقیه اصولی، فیلسوف و ملقب به افضل، حُجَّة الحق و تاج‌الدین، از اندیشمندان بزرگ تاریخ علوم در ایران است که بیشتر به سبب نگارش کتاب ملل و نحل (آیین‌ها و کیش‌ها) شهرت دارد. ملل و نحل مروری جامع و مُفصّل بر ادیان، فرقی، مذاهب، مکاتب و نحله‌های فلسفی گوناگون است.

این مقاله سعی دارد تا شهرستانی و ملل و نحل او را معرفی کرده و برخی ادعاهای آن درباره تشیع و اسماعیلیه را مورد بررسی قرار دهد.

واژه‌های کلیدی: شهرستانی، ملل و نحل، فرق و مذاهب، تشیع، اسماعیلیه.

* استادیار دانشگاه مشهد

خاستگاه شهرستانی

در جغرافیای تاریخی ایران، سه منطقه به نام شهرستان خوانده می‌شد: «شهرستان» فارس، «شهرستان» اصفهان و «شهرستان» خراسان.^۱ «شهرستان» خراسان را شهرستان خوارزم نیز می‌نامیدند که زادگاه مؤلف *ملل و نحل* است. این شهر را عبدالله بن طاهر (۲۱۳ - ۲۳۰ ق) در عصر مأمون عباسی (۱۹۸ - ۲۱۸ ق) بنا نهاد و گروه زیادی از دانشمندان در رشته‌های مختلف علمی و هنری در آنجا پرورش یافتند.^۲ تاریخ تولد شهرستانی را سال‌های ۴۶۷، ۴۶۹ ق ضبط شده است.^۳

شهرستانی روزگار کودکی و جوانی را در شهرستان و گرگانج^۴ به تحصیل علوم مقدماتی گذراند و سپس وارد نظامیه نیشابور شد. وی در نیشابور به فقه اشعری متمایل گردید و فقه را نزد ابوالمظفر احمد خوافی (م ۵۰۰ ق) و ابو نصر قشیری (م ۵۱۴ ق) و اصول را در محضر ابوالقاسم انصاری (م ۵۱۲ ق) و حدیث را نزد ابوالحسن مدائنی (م ۴۹۴ ق) فرا گرفت.^۵ او در ۵۱۰ ق. برای ادای فریضه حج رهسپار مکه گردید بعد از ادای حج، به بغداد رفت و در نظامیه بغداد در مقام یک اشعری شافعی به مدت سه سال (۵۱۱ - ۵۱۴ ق) به تدریس پرداخت. شهرستانی سرانجام در حدود ۵۱۴ ق. به خراسان بازگشت و بقیه عمر را در خراسان و ماوراء النهر و مرو گذراند.^۶ وی در خراسان، پس از ایجاد روابط با رجال دربار سلطان سنجر بن ملکشاه سلجوقی (۵۱۱ - ۵۵۲ ق)، به خدمت سلطان سنجر در آمد و در پرتو تکریم و تشویق وی و برخی رجال دانش دوست دربار همچون نصیرالدین محمود بن مظفر و مجدالدین علی بن جعفر موسوی به تألیف و تصنیف روی آورد و در سال ۵۲۱ ق. کتاب *الملل و النحل* را نگاشت و به نصیرالدین محمود بن مظفر تقدیم کرد.^۷ شهرستانی بعد از تألیف *ملل و نحل*، به نیابت دیوان سنجر برگزیده شد و محرم آسرار شاهی گردید.^۸ او در ۵۴۸ ق. حدود هشتاد سالگی وفات یافت.

آثار شهرستانی

شهرستانی آثار گوناگونی در زمینه‌های مختلف نگاشته است. که عبارت‌اند از: *الملل و النحل*، *المناهج و الآیات*، *العیون و الآنها*، *قصه موسی و الخضر*، *الاقطار فی الاصول*، *الارشاد الی عقائد العباد*، *تاریخ الحکماء*، *تلخیص الاقسام لمذاهب الانام فی علم الکلام*، *دقایق الاوهام*، *نهایة الاوهام*، *المبدأ و المعاد*، *شرح سوره یوسف*، *غایة المرام فی علم الکلام*، *اسرار العبادة*، *ردّ شُبُهات ارسطو طالیس و ابن سینا و نقضها*، *مفاتیح الاسرار و مصابیح الابرار فی تفسیر القرآن و مسئله فی اثبات الجوهر الفرد*.^۹

مشهورترین اثر وی بعد از *ملل و نحل*، *مُصارعة الفلاسفة یا المصارعة یا المصارعات* است که ردیه‌ای بر برخی مدعیات بو علی سینا (۴۲۸ - ۳۷۰ ق) است. خواجه نصیرالدین طوسی (۵۹۷ - ۶۷۲ ق) بر کتاب *المصارعة* شهرستانی ردیه‌ای به نام *مُصارع المصارع* نوشته است.^{۱۰}

ملل و نحل

۱. واژه شناسی

«ملل» جمع ملت و «نحل» جمع نحله است. ملت در زبان عربی به معنای شریعت و دین است. آنچه را که خداوند برای رسیدن بندگان به سعادت، بواسطه انبیا وضع کرده است ملت و جمع آن ملل است.^{۱۱} نحل جمع نحلّه به معنای دین و مذهب^{۱۲} و به معنای ادعا یا ادعای باطل آمده است.^{۱۳} واژه ملت در قرآن کریم نه بار و به دو معنای آیین الهی و غیر الهی به کار رفته است.^{۱۴} برخی معتقدند ملل یعنی ادیان و مذاهب آسمانی و ریشه‌دار، و نحل یعنی مذاهب باطل و ساختگی و بی‌اساس.^{۱۵} برخی دو واژه ملل و نحل در عربی را معادل فرق و مذاهب کلامی در فارسی دانسته‌اند.^{۱۶} نویسندگان کتاب‌های تاریخ ادیان و مذاهب در زبان عربی، از دو واژه «ملل و نحل» استفاده کرده‌اند.

۲. پیشینه ملل و نحل نویسی

این دانش درباره مکتب‌های فکری و شعبه‌ها و گرایش‌های درون یک دین بحث و مطالعه می‌کند و تاریخ تولد و تطور آنها را مورد توجه قرار می‌دهد.^{۱۷} در میان ملت‌های پیش از اسلام، روش علمی‌ای برای پژوهش در تاریخ ادیان و مذاهب (ملل و نحل) وجود نداشته و این علم اولین بار در اسلام پایه‌گذاری شد.^{۱۸} آثار درباره فرق و تاریخ ادیان به دو قسم تقسیم می‌شود: ۱. آثاری که صرفاً در مورد فرق اسلامی نوشته شده است؛ همچون *مقالات الاسلامیین اشعری* (م ۳۲۴ ق)، *الفرق بین الفرق* بغدادی (م ۴۲۹ ق)، *التبصیر فی الدین* اسفراینی (م ۴۷۱ ق)، *فرق الشیعه* نوبختی (حدود قرن سوم)، *المقالات و الفرق* سعد بن عبدالله اشعری قمی (م ۲۹۹ یا ۳۰۱ ق)، *تبصرة العوام* جمال الدین ابو عبدالله رازی (حدود قرن هفتم)؛ ۲. آثاری که به جز فرق اسلامی، به سایر ملل نیز پرداخته است؛ همچون *الفصل فی الملل و الاهواء و النحل* از ابن حزم اندلسی (م ۴۵۶ ق)، *اعتقادات فرق المسلمین و المشرکین* امام فخر رازی (۵۴۴ - ۶۰۶ ق) و *الملل و النحل* شهرستانی (م ۵۴۸ ق).^{۱۹}

ملل و نحل شهرستانی

شهرستانی با تألیف *ملل و نحل*، مکتبی فلسفی برای مطالعه *ملل و نحل* پایه‌گذاری کرد که تا کنون استمرار دارد.^{۲۰} این کتاب به رغم دیدگاه مشخصاً اسلامی و بواسطه بی‌طرفی و واقع‌بینی نسبی آن و نیز مطالعه گسترده در اعتقادات و باورها و آرای مذهبی گوناگون، همچنان مورد توجه و تحسین است و هیچ‌زمان دانشمندان از آن مستغنی نخواهند بود.^{۲۱} *ملل و نحل* دایرة المعارف مختصر از ادیان، مذاهب، فرق و آرای فلاسفه است. شهرستانی در این کتاب جهان را به هفت اقلیم تقسیم می‌کند و می‌نویسد:

کسانی که در اقلیم هفت گانه وجود هستند از لحاظ زبان، طبایع، نفوس،

شکل و رنگ اختلاف و گوناگونی دارند و ملت‌هایی که در جهات اربع (شمال، جنوب، شرق و غرب) زیست می‌کنند به چهار ملت بزرگ تقسیم می‌شوند که عبارت‌اند از: عرب، عجم، روم، هند.^{۲۲}

وی در این کتاب مباحث پیچیده فلسفی و اطلاعات وسیع تاریخی را در اختیار گذاشته و به تشریح آرای فلاسفه یونانی و مسلمان و در کنار آن طرح اندیشه‌ها و تفکرات فلسفی اعراب جاهلی، مردم هند و ایران باستان پرداخته است. تحقیق او درباره «صابئین» در این کتاب از منابع مهم در این خصوص محسوب می‌شود؛ به خصوص مناظره «صابئه و حُنفاء» که در هیچ یک از منابع به تفصیلی که شهرستانی بیان کرده است دیده نمی‌شود.^{۲۳}

شهرستانی تمامی فرق و مذاهبی را که تا عصر خویش می‌شناخته، معرفی کرده است. مرجع وی مطالعه مستقیم آرا و اندیشه‌های مکتوب در کتاب‌ها و رسایل گوناگون و شنیده‌های شفاهی از بزرگان است.^{۲۴} *ملل و نحل* شهرستانی در مقایسه با دو کتاب مشهور *الفصل فی الملک و الأهواء و النحل* نوشته ابن حزم اندلس و *اعتقادات فرق المسلمین و المشرکین* تألیف امام فخر رازی (۵۴۴ - ۶۰۶ ق) از امتیاز خاصی برخوردار است. ابن حزم اندلسی با رویکردی تعصب آمیز تمامی مخالفان تفکر خود را به شدت محکوم کرده است که این رویه در سرتاسر کتاب نمایان است. اما کتاب امام فخر رازی بسیار خلاصه و در ۵۶ صفحه نگاشته شده است. شهرستانی در ابتدای *ملل و نحل* شرط کرده که بدون کاستی و تعصب و به شکل کامل درباره فرق و مذاهب بحث کند، چه عقاید آنها صحیح و چه نظرشان فاسد باشد.^{۲۵} گستردگی مطالب *ملل و نحل* و پرداختن دقیق و عمیق به برخی از جزئیات مذاهب و فرق اسلامی سبب گشته است که وی در برخی مواضع و دیدگاه‌هایش متهم به گرایش به مذهب یا آیینی خاص شود و مورد بی‌مهری و انتقادهای تند و خصمانه قرار گیرد.^{۲۶} روش شهرستانی در تبیین و توضیح مطالب بدین صورت است

که بی‌پرده به هر مسئله‌ای پرداخته و خود را در نقل مطالب بی‌طرف و دور از هرگونه پیش‌داوری معرفی کرده است. وی در ابتدای *ملل و نحل*، در مقدمه چهارم، مطالبی را بیان کرده که مبین شخصیت چند گونه وی است. او ریشه پراکندگی و انشعاب را در اسلام ده عامل برشمرده است و به سبب اظهاراتش در این موارد ده گانه، مورد تحسین برخی قرار گرفته و در مقابل، برخی وی را به عدم آگاهی از تاریخ اسلام و علم حدیث متهم کرده‌اند.^{۲۷} شهرستانی گاهی به تشیع متهم می‌شود و گاهی به باطنی‌گری و اسماعیلی و گاهی از طرف برخی منتقدان به الحاد و غرق شدن در ظلمت فلسفی.^{۲۸} این در حالی است که خیلی از بزرگان همچون سمعانی، ابن خلکان، ابن تغری بردی، یاقوت حموی، ابی الفدا و ابن عماد حنبلی از او با عنوان امام و پیشوا یاد کرده‌اند.^{۲۹} ابن تیمیه در *منهاج السنه* در جواب کسانی که وی را متهم به باطنی‌گری و اسماعیلی و از متعصبان سخت شیعی معرفی کرده‌اند ایراد گرفته و اظهار داشته است که شهرستانی به موارد زیادی از امور شیعیان و اسماعیلیان اشاره و پرداخته است و این دلیلی نمی‌شود که او شیعی یا اسماعیلی باشد. در حقیقت، شخصیت او به گونه‌ای است که او را به وجهی شیعه و به وجهی اشعری نامیده‌اند.^{۳۰} آقا بزرگ تهرانی در الذریعه ضمن تجلیل از *ملل و نحل* شهرستانی می‌گوید:

ملل و نحل شهرستانی نیکوترین کتاب در این باب است که قدما نوشته‌اند و

او نسبت به مذهب خود اظهار تعصب چندانی ننموده است.^{۳۱}

شهرستانی در *ملل و نحل* انتقادهای بی‌پروایی به رهبران اسماعیلی می‌کند و تا حدی مفصل، بی‌طرفانه و مجزا تعالیم اسماعیلیه پیشین را تبیین می‌کند ادامه می‌دهد که «پیروان» دعوت جدید، یعنی اسماعیلیه نزاری در ایران، هنگامی که حسن بن صباح شروع به استخدام نیرو کرد و در قلعه‌ها سنگر گرفت، این تعالیم را کنار گذاشتند. از آن پس حسن بن صباح بر نیاز انسان به امامی بر حق در هر زمان و نحوه شناخت او بسیار تأکید نمود.^{۳۲} وی با لحنی کاملاً انتقادی، حسن بن صباح را متهم می‌کند که او عامه

مردم را از بحث درباره علوم دین منع می‌کند و پیروان حسن بن صباح با این کار باب علم را بر روی خود بسته‌اند و به دام تقلید کورکورانه افتاده‌اند. هیچ شخص عاقلی تا اعتقادی را به طور کامل و مشخص نفهمد و شاهدی روشن بر طریقی نداشته باشد آن را نمی‌پذیرد.^{۳۳} به اعتقاد شهرستانی، اسماعیلیه بخشی از جامعه اسلامی و از برخی جهات هستی اصلی آن به شمار می‌رود و نباید خود را از آن جدا کند و اگر چه او از تعالیم اسماعیلیه پیشین حمایت می‌کرد؛ اما هیچگاه حاضر نشد به انزوای آنها از جامعه تن در دهد. افزون بر این، به اعتقاد شهرستانی، غیبت موقت امام نمی‌تواند بهانه‌ای برای تعلیق تعالیم دینی و عقلانیت مبتنی بر هدایت امامان پیشین باشد.^{۳۴} حتی کتاب *مصارعة الفلاسفة* شهرستانی نیز چنین سرگذشتی دارد و در آن به نحوی به بوعلی‌سینای اسماعیلی در الهیاتش تاخته است.^{۳۵} با وجود این، کسانی همچون ابوسعید سمعانی که تعالیم او را شنیده است، نقل می‌کند که او به مصاحبت با اهل قلاع، یعنی اسماعیلیه نزاری در ایران و ترویج آرا و تعالیم کفر آمیز ایشان متهم بوده است. او می‌گوید:

شهرستانی بسیار به عقب بازگشته و از آرای فلاسفه دفاع می‌کند. سپس می‌افزاید من خود در چند مجلس وعظ او حضور داشتم، در آنجا نه سخن از «قال الله» بود و نه «قال رسول الله» و پاسخی نیز به مسائل شرعی داده نمی‌شد.^{۳۶}

افزون بر این، منتقدان سنی مذهب، شهرستانی را به داشتن گرایش‌های فلسفی و برخی اظهارات وی در مورد علل اختلاف در امت اسلام متهم کرده‌اند. ابن ارسلان خوارزمی، نویسنده *تاریخ خوارزم*، گرایش او را به الحاد اسماعیلیه، نتیجه دوری از نور شریعت و اشتغال به ظلمت فلسفه می‌داند.^{۳۷} دیدگاه‌های شهرستانی درباره وقایع صدر اسلام و بیان بی‌پرده آنها سبب شده که اهل سنت هم او را به بی‌خبری و بی‌آگاهی از تاریخ اسلام و علم حدیث متهم کنند؛ برای مثال در مورد تجهیز و حرکت سپاه اسامه در

واپسین لحظات عمر پیامبر ﷺ می گوید:

علی رغم اینکه پیامبر ﷺ فرمود هر کس از رفتن اجتناب نماید ملعون است،

عمر و ابوبکر و عثمان دریغ کردند و نرفتند.^{۳۸}

همچنین او می نویسد:

هنگامی که پیامبر ﷺ در واپسین لحظات عمر خود فرمود کاغذ و قلم بیاورید

تا برای شما صحیفه ای بنویسم که از گمراهی در امان باشید، عمر گفت که بر

پیامبر ﷺ شدت درد و غلبه مرض عارض شده و کتاب خدا ما را کافی است.^{۳۹}

شهرستانی با اینکه سنی شافعی است، در مورد عمر می گوید که اولین شبیه را در

اسلام عمر طرح کرد که بعد از مرگ پیامبر گفت پیامبر ﷺ نمرده است.^{۴۰}

ابن تیمیه در تمام موارد فوق، شهرستانی را به عدم آگاهی از حدیث و اخبار صحابه و

تابعین متهم کرده است.^{۴۱} شهرستانی در اوایل ملل و نحل داستان مناظره ابلیس با

ملایک را آورده که مخالفانش می گویند: اظهارات او از پیامبر ﷺ و ائمه مسلمانان و صحابه

شنیده نشده است و وی از کتب نصارا نقل کرده است.^{۴۲}

شهرستانی در مورد مهم ترین عامل اختلاف در میان مسلمانان می نویسد:

بزرگ ترین اختلاف در میان امت اسلامی اختلاف در امامت بوده است و در

مورد هیچ مسئله ای همچون امامت شمشیرها برهنه نگشته و خونریزی صورت

نگرفته است.^{۴۳}

انتقادات و برخی اشتباهات وی در نقل مطالبی درباره تشیع، سبب گشته است که وی

مورد انتقاد شدید برخی نویسندگان شیعی نیز قرار گیرد و این در حالی است که شهرستانی

شافعی مذهب برای اهل بیت پیامبر ﷺ و امامان شیعه علیهم السلام احترامی خاص قائل بوده است.

بنابراین شهرستانی را به لحاظ اجتماعی می توان پیرو اهل سنت دانست، اما در برخی

عقاید اصلی و تفکرات مذهبی می توان عقاید او را همسو با شیعیان یا اسماعیلیه خواند وی

در *ملل و نحل* پیرامون هشام بن حکم از دانشمندان و متکلمان و شاگردان امام صادق علیه السلام گفته است:

هشام که از متکلمان شیعه است می گوید که خدا جسم است و قد او هفت

و جب به و جب خود اوست.^{۴۴}

در جای دیگر نیز می گوید: «هشام عَلِيُّ اللَّهِی است و علی را خدا می داند».^{۴۵} در مورد هشام بن سالم از دیگر شاگردان امام صادق علیه السلام هم می گوید: «که او خدا را به صورت خاص و صورت انسانی می داند».^{۴۶} وی زُراره را که از بزرگان اصحاب امام باقر و امام صادق ۸ است متهم کرده که گفته است: «خدا قبل از خلق صفات، عالم و قادر و بصیر و مرید و متکلم نبوده است».^{۴۷} در مورد یونس بن عبد الرحمن که از اصحاب بزرگ ائمه علیهم السلام است می گوید که او از مُشبهه است.^{۴۸} براساس دیدگاه شهرستانی، شیعه بعد از شهادت علی بن محمد عسکری علیه السلام اختلاف نمودند و گروهی امامت جعفر و گروهی امامت علی بن جعفر، فاطمه دختر جعفر و خواهر جعفر را برگزیدند و در ادامه می افزاید که در شیعه یازده فرقه پیدا شد. البته نامی از فرقه ها نبرده، در حالی که عقاید ایشان را برشمرده است.^{۴۹}

شهرستانی در حاشیه مطالب فوق، اظهاراتی درباره تشیع کرده است که اهل سنت او را به دفاع از تشیع متهم نموده است. شهرستانی جریان غدیر را تأیید کرده.^{۵۰} و احادیثی را درباره شخصیت علی علیه السلام ذکر نموده است؛ مانند «علی با حق است و حق با علی است»، «علی بر حق است در تمامی اقوال» و «هر جا علی باشد حق بر گرد او دور می زند».^{۵۱} ابن تیمیه می گوید:

«کسانی که این گفتار را نقل نموده اند، جملگی شیعه هستند و از اختصاصات شیعه است».^{۵۲} شهرستانی در *ملل و نحل* در مورد امام صادق علیه السلام می گوید:

او دارای علم و حکمت فراوان و دارای زهد و تقوای کامل بود. مدت ها در

مدینه بود و شاگردان شیعه خود را آموزش می داد. دانش و آگاهی او در فرهنگ

و مذهب فوق العاده بود و اطلاعات کاملی از مسائل فلسفه داشت. از پرهیزگاری زیادی برخوردار بود و کاملاً از شهوت و هوسرانی‌ها پرهیز داشت و از جانب پدری به شجره نبوت متصل و از جانب مادر به ابوبکر نسب می‌برد.

وی موضع سیاسی امام صادق علیه السلام را این گونه وصف و تحسین می‌کند که هرگز در صدد کسب قدرت برنیامد.^{۵۳} آنچه مسلم است، پایبندی شهرستانی به اصول و مبانی دینی است. وی در طرح دیدگاه‌هایش درباره مذاهب و فرق و معرفی آنها در *ملل و نحل*، به دلیل گستردگی طرح نظرها و دیدگاه‌ها، وسواس در ذکر جزئیات، بی‌پرده بودن در ذکر برخی مطالب، از جانب اهل سنت و تشیع و اسماعیلیه متهم گشته و برخی دایره انتقاد را تا سر حد الحاد وی کشانده‌اند؛^{۵۴} اگر چه او بدون تعصب حتی در کتاب *تفسیر مفاتیح الاسرار و مصابیح الابرار فی تفسیر القرآن* - که فقط سوره فاتحه و بقره را در بر می‌گیرد - از احادیث اهل سنت و تشیع برای روشن شدن موضوع مورد بحث استفاده کرده است.

ترجمه‌های ملل و نحل

ملل و نحل شهرستانی بارها به به زبان‌های گوناگونی ترجمه و چاپ شده است. از این کتاب دو ترجمه به فارسی موجود است. یکی ترجمه خواجه افضل الدین صدر ترکیه (م ۸۵۰ ق) از قضاة اصفهان، با عنوان *تنقیح الأدلة و العلیل*، و دیگری ترجمه مصطفی خالقداد هاشمی در لاهور هند زیر عنوان *توضیح الملل*.^{۵۵} در ترکیه نوح بن مصطفی (م ۱۰۷۰ ق) آن را به ترکی عثمانی ترجمه نمود و نخستین بار در ۱۸۴۲ م. به اهتمام ویلیام کورتن خاور شناس انگلیسی در لندن منتشر شد و در ۱۸۵۰ م. ترجمه آلمانی آن به دست تئودر هار بروکر آلمانی چاپ گردید.^{۵۶}

دیدگاه‌های شهرستانی در *ملل و نحل* درباره مذاهب و فرقه‌ها - اگر چه خالی از اشتباه نیست - روشن می‌کند که نباید او را متهم به الحاد یا دفاع از مذهبی خاص کرد. او در مقدمه *ملل و نحل*، شرط کرده مطالب را بدون تعصب و پیش داوری و کم و زیاد ذکر نماید و داوری را به عهده خواننده مطالبش بگذارد. شهرستانی استقرار در مذهب نداشته است؛ زیرا از اشاعره، اسماعیلیه، شیعه، تصوف و فلسفه سخن گفته و با صراحت در برخی موارد از آنها دفاع کرده و بعضاً به آنها تاخته است و به دلیل کثرت نظر در گفتارهای خود درباره فرق^{۵۷} و قوی^{۵۸} الفهم و کثیر^{۵۹} المحفوظ بودن وی^{۶۰} و علی رغم برخی اشتباهات، کتاب او بهترین و جامع‌ترین نوشته در این زمینه به شمار می‌رود و به گفته‌ی آلفرد گیوم (۱۸۸۸ - ۱۹۶۶ م) خاورشناس انگلیسی، هیچ زمان اهل علم و معرفت از آن بی‌نیاز نخواهد بود.^{۶۱}

پی‌نوشت‌ها

1. یاقوت بن عبدالله حموی، *معجم البلدان* (بیروت: دارصادر، ۱۹۹۵ م) ج ۳، ص ۳۷۷.
2. عبدالکریم بن محمد سمعانی، *الانساب* (بیروت: دارالجنان، ۱۴۰۸ ق) ج ۸، ص ۱۸۳؛ ابن اثیر، *الباب فی تهذیب الانساب* (بیروت: دارصادر، بی‌تا) ج ۲، ص ۲۱۷، ابوالعباس احمد بن محمد بن خلکان، *وفیات الاعیان*، تحقیق احسان عباس (بیروت: دارالثقافه، بی‌تا) ج ۴، ص ۲۷۴.
3. یاقوت حموی، *پیشین*، ص ۳۷۸؛ ابن خلکان، *پیشین*، ص ۲۷۳، صفدی، *الوافی بالوفیات*، تحقیق احمد الارناؤوط و ترکی مصطفی (بیروت: داراحیاء التراث، ۱۴۲۰ ق) ج ۳، ص ۲۲۹.
4. گرگانج در عربی جُرجانیه، مرکز سرزمین خوارزم و پادشاهی خوارزمشاهیان بود. گرگانج امروزه در کشور ترکمنستان واقع است.
5. یاقوت حموی، *پیشین*، ص ۳۷۷؛ ابن خلکان، *پیشین*، ص ۲۷۴؛ ذهبی، *تاریخ الاسلام*، تحقیق عمر عبدالله تدمری (بیروت: دارالکتب العربی، ۱۴۰۷ ق) ج ۳۷، ص ۳۷۷.
6. یاقوت حموی، *پیشین*، عبدالکریم شهرستانی، *الملل و النحل*، تخریج محمد بن فتح الله بدران (قاهره: مکتبه الانجلو المصریه، بی‌تا) ص ۳ و ۵؛ ابن خلکان، *پیشین*، ص ۲۷۴؛ مصطفی خالقداد هاشمی، *توضیح الملل*، مقدمه و حواشی جلالی نائینی (تهران: شرکت افست، ۱۳۵۸) ص ۱۸.
7. مصطفی خالقداد هاشمی، *پیشین*.
8. همان، ص ۲۱.
9. حاجی خلیفه، *کشف الظنون* (تهران: داراحیاء التراث العربی، بی‌تا) ج ۱، ص ۲۹۱؛

- اسماعیل پاشا بغدادی، *هدیه العارفین* (بیروت: داراحیاء التراث العربی، بی تا) ج ۲، ص ۹۱؛ زرکلی، *الاعلام* (بیروت: دارالعلم للملایین، ۱۹۸۰ م) ج ۶، ص ۲۱۵؛ مصطفی خالقداد هاشمی، پیشین، ص ۳۹ - ۴۱؛ ظهیرالدین بیهقی، *تاریخ حکماء الاسلام* (دمشق، مطبعه ترقی، ۱۹۴۶ م) ص ۱۴۱ - ۱۴۴.
10. حسن الامین، *مستدرکات اعیان الشیعه* (بیروت: دارالتعارف، ۱۴۱۸ ق) ج ۱، ص ۲۳۴.
11. *المعجم الوسیط*، ذیل مللی.
12. شرتونی، *اقرب الموارد* (بیروت: دارالاسوه، ۱۳۷۴ ق) ذیل نحل.
13. زبیدی، *تاج العروس* (بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۴ ق) ذیل نحل.
14. *نحل* (۱۶)، آیه ۱۲۲؛ *یوسف* (۱۲)، آیه ۳۷.
15. رضا استادی، *مقدمه ای بر ملل و نحل* (قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۴) ص ۴.
16. علی ربانی گلپایگانی، *فرق و مذاهب کلامی* (قم: مرکز جهانی علوم اسلامی، ۱۳۷۷) ص ۱۰.
17. جعفر سبحانی، *فرهنگ عقاید و مذاهب اسلامی*، چاپ اول (بی جا: انتشارات توحید، ۱۳۷۱) ج ۱، ص ۲۸.
18. عبدالکریم شهرستانی، پیشین، ص ۱۰.
19. همان، ص ۱۱.
20. همان، ص ۱۰.
21. همان، ص ۷.
22. همان، ص ۲۰.
23. همان، ص ۲۱۰ - ۲۱۲.
24. همان، ص ۱۱.
25. همان.

26. همان، ص ۷.
27. همان، ص ۲۷ - ۲۸؛ ابن تیمیه، *منهاج السنة النبویه*، تحقیق محمد رشاد سالم (بی‌جا، دارالنشر مؤسسه قرطبه، ۱۴۰۶ ق) ج ۶، ص ۳۱۸، ۳۱۹، ۳۲۴ و ۳۴۷ و ۳۵۰.
28. ذهبی، *سیر اعلام النبلاء*، تحقیق حسین الاسد (بیروت: مؤسسه الرساله، ۱۴۱۳ ق) ج ۲۰، ص ۲۸۸، صفدی، *پیشین*، ج ۳، ص ۲۲۹؛ شیخ عباس قمی، *الکنی و الالقاب* (تهران: مکتبه الصدر، بی‌تا) ج ۲، ص ۳۷۴.
29. یاقوت حموی، *پیشین*، ص ۳۷۷، ابن خلکان، *پیشین*، ج ۴، ص ۲۷۴؛ ذهبی، *تاریخ الاسلام*، ج ۳۷، ص ۳۷۷.
30. ابن تیمیه، *پیشین*، ج ۶، ص ۳۰۵.
31. آقا بزرگ تهرانی، *الذریعه* (تهران: چاپخانه بانک ملی، ۱۳۶۵ ق) ج ۶، ص ۲۲۱.
32. شهرستانی، *پیشین*، ص ۱۷۵.
33. همان، ص ۱۷۸.
34. همان، ص ۱۷۵ - ۱۷۸.
35. ابن تیمیه، *پیشین*، ج ۶، ص ۳۰۶.
36. صفدی، *پیشین*، ج ۳، ص ۲۲۹؛ شیخ عباس قمی، *پیشین*، ج ۲، ص ۳۷۴.
37. شیخ عباس قمی، *پیشین*.
38. علی خلیلی، *ابوبکرین ابی قحافه* (بی‌جا: بی‌نا، بی‌تا) ص ۲۰۶؛ نورالله تستری، *احقاق الحق* (بی‌جا: بی‌نا، بی‌تا) ص ۲۱۸؛ شهرستانی، *پیشین*، ص ۲۹.
39. شهرستانی، *پیشین*.
40. همان.
41. ابن تیمیه، *پیشین*، ص ۳۱۸، ۳۱۹، ۳۲۴، ۳۴۷، ۳۵۰.
42. همان، ص ۳۰۷.

43. شهرستانی، پیشین، ص ۳۰.
44. همان، ص ۱۶۴.
45. همان، ص ۱۶۵.
46. همان.
47. همان.
48. همان، ص ۱۶۸.
49. همان، ص ۱۵۱ - ۱۵۳؛ محمد باقر صدر، *البحث حول المهدي*، تحقیق عبدالجبار شراره، (بیروت: داراحیاء التراث، ۱۴۲۰ ق) ص ۲۵.
50. ابن خلکان، پیشین، ج ۳، ص ۱۵۲؛ عبدالحسین امینی، *التغدير* (بیروت: دارالکتاب العربی، ۱۳۹۷ ق) ج ۱، ص ۱۱۵.
51. علی خلیلی، پیشین، ص ۳۷۹.
52. ابن تیمیه، پیشین، ص ۳۴۷.
53. شهرستانی، پیشین، ص ۱۴۷.
54. ذهبی، *تاریخ الاسلام*، ج ۳۷، ص ۳۲۹؛ ذهبی، *سیر اعلام النبلاء*، ج ۲۰، ص ۲۸۸؛ یاقوت حموی، *معجم البلدان*، ج ۳، ص ۳۷۷.
55. همان، ص ۱۳؛ آقا بزرگ تهرانی، پیشین، ج ۶، ص ۲۲۱.
56. شهرستانی، پیشین، مصطفی خالقداد هاشمی، پیشین، ص ۷۷ - ۷۸.
57. ابن حجر عسقلانی، *لسان المیزان* (بیروت: مؤسسه الاعلمی، ۱۳۹۰ ق) ج ۵، ص ۲۶۴.
58. ذهبی، *سیر اعلام النبلاء*، ج ۲، ص ۲۸۸.
59. شهرستانی، پیشین، ص ۷.

منابع

- قرآن کریم.
- ابن تیمیه، *منهاج السنة النبویه*، تحقیق محمد رشاد سالم، بی جا، دارالنشر موسسه قرطبه، ۱۴۰۶ ق.
- ابن خلکان، ابوالعباس احمد بن محمد، *وفیات الاعیان*، تحقیق احسان عباس، بیروت، دارالثقافه، بی تا.
- استادی، رضا، *مقدمه ای بر ملل و نحل*، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۴.
- امینی، عبدالحسین، *الغدیر*، بیروت، دارالکتب العربی، ۱۳۹۷ ق / ۱۹۷۷ م.
- بغدادی، اسماعیل پاشا، *هدیه العارفین*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا.
- بیهقی، ظهیرالدین، *تاریخ حکماء الاسلام*، دمشق، مطبعه ترقی، ۱۹۴۶ م.
- تُستری، نورالله، *احقاق الحق*، بی جا، بی نا، بی تا.
- تهرانی، آقا بزرگ، *الذریعه*، تهران، چاپخانه بانک ملی، ۱۳۶۵ ق / ۱۳۲۵.
- حاجی خلیفه، *کشف الظنون*، تهران، داراحیاء التراث العربی، بی تا.
- حموی، یاقوت بن عبدالله، *معجم البلدان*، بیروت، دار صادر، ۱۹۹۵ م.
- خالقداد هاشمی، مصطفی، *توضیح الملل*، مقدمه و حواشی جلالی نائینی، تهران، شرکت اُفست، ۱۳۵۸.
- خلیلی، علی، *ابوبکر بن ابی قحافه*، بی جا، بی نا، بی تا.
- ذهبی، *تاریخ الاسلام*، تحقیق عمر عبدالله تدمری، بیروت، دارالکتب العربی، ۱۴۰۷ ق /

١٩٨٧ م.

- _____، سیر اعلام النبلاء، تحقیق حسین الاسد، بیروت، موسسه الرساله، ١٤١٣ ق/ ١٩٩٣ م.
- ربانی گلپایگانی، علی، فرق و مذاهب کلامی، قم، مرکز جهانی علوم اسلامی، ١٣٧٧.
- زبیدی، تاج العروس، بیروت، دارالفکر، ١٤١٤ ق / ١٩٩٤ م.
- زرکلی، الاعلام، بیروت، دارالعلم للملایین، ١٩٨٠ م.
- سبحانی، جعفر، فرهنگ عقاید و مذاهب اسلامی، چاپ اول، انتشارات توحید، ١٣٧١
- سمعانی، عبدالکریم بن محمد، الانساب، بیروت، دارالجنان، ١٤٠٨ ق / ١٩٨٨ م.
- شرتونی، اقرب الموارد، بیروت، دارالاسوه، ١٣٧٤ ق.
- شهرستانی، الملل و النحل، تخریج محمد بن فتح الله بدران، قاهره، مکتبه الانجلو المصریه، بی تا.
- صدر، محمد باقر، البحث حول المهدي، تحقیق عبدالجبار شراره، بی جا، مرکز الغدیر
- للدراسات الاسلامیه، ١٤١٧ ق / ١٩٩٦ م.
- صفدی، الوافی الوفیات، تحقیق احمد الارناؤوط و ترکی مصطفی، بیروت، داراحیاء التراث،
- ١٤٢٠ ق / ٢٠٠٠ م.
- الامین، حسن، مستدرکات اعیان الشیعہ، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات، ١٤١٨ ق/ ١٩٩٧ م.
- ابن اثیر، اللباب فی تهذیب الانساب، بیروت، دارصادر، بی تا.
- قمی، عباس، الکنی و الالقاب، تهران، مکتبه الصدر، بی تا.
- عسقلانی، ابن حجر، لسان المیزان، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ١٣٩٠ ق/ ١٩٧١ م.
- مجموعه المؤلفین، المعجم الوسیط، قاهره، مجمع اللغة العربیة، ١٩٦٥ م.